

آمریکا قصد دارد خاورمیانه را از طریق پاکسازی قومی تغییر دهد



ولادیمیر پراخواتیلوف (VLADIMIR PROKHAVATILOV) ا. م. شیری

«خاورمیانه جدید» - حکمرانی هرج و مرج عمومی و جنگ‌های قومی مذهبی

روزنامه نیویورک تایمز مقاله‌ای تحت عنوان مرموز «چگونه ۵ کشور می‌تواند به ۱۴ کشور تبدیل شود»، منتشر کرد. این را نه به عنوان یک مسئله ریاضی، بلکه بمثابه قالب‌بندی مجدد خاورمیانه باید در نظر گرفت.

این حتی مقاله هم نیست، بلکه نقشه خاورمیانه است که نشان می‌دهد چگونه پنج کشور منطقه به چهارده کشور تقسیم می‌شود. قطعه قطعه کردن منطقه «زنده» از نظر سیاسی به درستی به عنوان یک پیش‌بینی تلقی می‌شود.

«رقابت‌های فرقه‌ای و قومی در سوریه، می‌تواند آن را حداقل به سه بخش تقسیم کند:

۱- اقلیت علوی، که دهه‌هاست سوریه را کنترل می‌کند، بر گذرگاه ساحلی تسلط دارند.

۲- کردستان سوریه می‌تواند جدا شود و در نهایت به کردستان عراق ملحق شود.

۳- سنی‌های مرکز جدا می‌شود و سپس ممکن است در اتحاد با استان‌های سنی عراق سنی‌ستان تشکیل دهند».



لیبی در نتیجه رقابت‌های قوی قبیله‌ای و منطقه‌ای، می‌تواند به دو بخش تقسیم شود: بخش‌های تاریخی تریپولیتانیا (منطقه طرابلس) و بُرقه (سیرنه) - و شاید سومین ایالت فزان در جنوب غربی.

«یمن، فقیرترین کشور عربی ممکن است در نتیجه همه‌پرسی احتمالی و استقلال (مجدد) یمن جنوب به دو قسمت تقسیم شود».

پیش‌بینی‌کنندگان آمریکایی به‌ویژه علاقه‌مند به تقسیم عربستان سعودی هستند. زیرا، به اعتقاد آن‌ها به دلیل رقابت‌های قبیله‌ای و شیعه- سنی، و همچنین مشکلات اقتصادی و رقابت بین ولیعهد و شاهزاده‌ها می‌تواند در درازمدت (مانند سال ۱۹۱۴) به پنج بخش تقسیم شود.



به گفته نیویورک تایمز، دولت-شهرهای مستقل نیز به وجود خواهند آمد: بغداد، مصراته در شمال لیبی و جبل‌الدروز در جنوب علوی‌ستان که از سوریه جدا می‌شود.

اتحاد کردهای سوریه و عراق و تشکیل کردستان مستقل نیز پیش‌بینی شده است. تشکیل شیعه‌ستان در جنوب سوریه نیز ممکن است.

در واقعیت امر، این خیال‌پردازی‌ها اصلاً یکسری پیش‌بینی نیستند، بلکه اجرای طرح تغییر شکل خاورمیانه مطابق با **دکترین** وودرو ویلسون مبنی بر «هر مردمی در قلمرو خود» هستند.

خاورمیانه که در مقاله نیویورک تایمز به قطعات کوچک تقسیم شده، رونوشت «نقشه رالف پیترز» بدنام است که مطابق با واقعیت‌های فعلی تنظیم شده است.



سرهنگ رالف پیترز، تحلیلگر نظامی آمریکایی در ژوئن ۲۰۰۶، مقاله‌ای با عنوان «مرزهای خونین» در مجله نیروهای مسلح **منتشر کرد**. او در این مقاله از حقایقی صحبت می‌کند که

به طور کلی برای هر کسی که با تاریخ خاورمیانه و جهان عرب به طور کلی آشنا است، شناخته شده است. تمام مرزهای کنونی و تقریباً همه دولت‌های کنونی توسط استعمارگران انگلیسی-فرانسوی با این چشم‌انداز ایجاد شد که هرگز در این مناطق صلح برقرار نشود.

پیترز نوشت: «ما با هیولاهای عظیم و ساخته دست بشر روبرو هستیم. تا زمانی که آن‌ها اصلاح نشوند، به ترویج نفرت و خشونت ادامه خواهند داد. در مورد کسانی که از «اندیشیدن به غیرقابل تصور» امتناع می‌ورزند و اعلام می‌کنند که مرزها نباید تغییر کنند و بس، شایان ذکر است که تغییر مرزها هرگز در طول قرن‌ها متوقف نشده است».

پیترز در مقاله خود خواستار آن شده است که ما باید فوراً به ترسیم مجدد مرزهای کل خاورمیانه، این «هیولای فرانکنشتاین» شروع کنیم. در برنامه او قرار بود همه کشورهای جدید بر پایه اقوام مختلف بنا شوند. زیرا، به گفته پیترز، «پاکسازی قومی کارآمد است».

پیترز همچنین نقشه به اصطلاح «خاورمیانه جدید» را منتشر کرد. در یکی از انجمن‌های نظامی آمریکا، از اینکه پیترز هرگز در عملیات‌های جنگی جدی شرکت نکرده، اما «نقشه مرگ» حاکی از تقسیم خاورمیانه در امتداد مرزهای جوامع قومی را منتشر نموده، [خشمگین](#) شدند.

در این میان، همزمان با انتشار مقاله پیترز، اصطلاح «[خاورمیانه جدید](#)» در تل‌آویو توسط کاندالیزه رایس، وزیر امور خارجه آمریکا مطرح شد. این اصطلاح و مفهوم مربوطه، به سرعت توسط وزارت خارجه آمریکا و ایهود اولمرت، نخست وزیر اسرائیل در اوج جنگ اسرائیل در لبنان پذیرفته شد. اولمرت و رایس به رسانه‌های جهان اعلام کردند که اجرای پروژه خاورمیانه جدید از لبنان آغاز شده است.

پروژه «خاورمیانه جدید» به ایجاد یک کمان بی‌ثباتی و هرج و مرج از لبنان تا مرزهای افغانستان، که پادگان‌های ناتو در آن زمان مستقر هستند، منجر شد.

واشنگتن و تل‌آویو امیدوار بودند که لبنان، شکست‌خورده از اسرائیل، به آن نقطه بحرانی تبدیل خواهد شد که ترسیم مجدد مرزها در سراسر خاورمیانه از آنجا آغاز می‌شود و نیروهای هرج و مرج کنترل شده رها می‌شوند. این امر آمریکا و اسرائیل را قادر می‌سازد تا به بهانه حفظ صلح و آشتی طرفین، منافع ژئوپلیتیکی خود را محقق سازند.

نیویورک تایمز انتشار «نقشه مرگ» جدید را با مقاله رابین رایت، یکی از همکاران مؤسسه وودرو ویلسون همراه کرد که درگیری‌های خونین سال‌های اخیر در خاورمیانه را که توسط آنگلساکسون‌ها آغاز شده، دقیقاً با دلیل تمایل جوامع قومی منطقه برای تعیین سرنوشت خود توجیه می‌کند. به نظر او، فروپاشی سوریه در امتداد مرزهای قومی و مذهبی، عملاً پیش از این رخ داده است. سنی‌ها و شیعیان عراق ظاهراً به گرداب جدایی‌طلبان کشیده می‌شوند.

در لیبی، «طرف تریپولیتانیاها به مغرب یا جهان غرب اسلام روی می‌آورند، و سیرنائیکایی‌ها (برقه‌ای‌ها) به مشرق یا جهان اسلام شرقی توجه می‌کنند. علاوه بر این،

سرمایه درآمدهای نفتی را جذب می‌کند، البته، ۸۰ درصد این درآمدها از شرق است. بنابراین، لیبی می‌تواند به دو یا حتی سه قسمت تقسیم شود... فِزّان جنوبی نیز دارای ویژگی‌های قبیله‌ای و جغرافیایی متفاوت می‌باشد».

به گفته رایت، یمن جنوبی، که جمعیت آن سنی مذهب است، رؤیای پیوستن به عربستان سعودی را در سر می‌پروراند و به نوبه خود، آبستن «بالکانیزاسیون» است.

تلاش غرب برای ترسیم مجدد نقشه خاورمیانه، همانطور که نوشتیم، به دلیل شکست ارتش اسرائیل در جنگ علیه حزب الله لبنان در سال ۲۰۰۶، شکست خورد.

حالا آمریکا و متحدانش بار دیگر مفهوم موریانه‌خورده «خاورمیانه جدید» را با «کارت مرگ» حاکی از پاک‌سازی قومی در مقیاس بزرگ که هم اکنون آغاز شده، نشان می‌دهد.

روزنامه تایمز اسرائیل در ۳۱ اکتبر، با استناد به بیانیه دفتر نخست وزیر بنیامین نتانیاوو، از طرح اخراج بیش از ۲ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر فلسطینی از نوار غزه به مصر [خبر داد](#).

یک نسخه از سندی که توسط وزارت اطلاعات تهیه شده، در ۲۸ اکتبر توسط پورتال سیچا مکومیت (Sicha Mekomit) منتشر شد. در این سند توصیه می‌شود که دولت کل جمعیت غیرنظامی منطقه محصور را در مصر اسکان دهد.

این روزنامه می‌نویسد: «این سند به تاریخ ۱۳ اکتبر حاوی اسکان غیرنظامیان در شهرهای چادری در شمال صحرای سینا و در نهایت، ساخت شهرهای دائمی و افتتاح یک گذرگاه بشردوستانه است. در این طرح ایجاد یک منطقه حائل «استریل» به عرض چند کیلومتر در داخل مصر برای حصول اطمینان از اینکه جمعیت نمی‌تواند در مرزهای اسرائیل مستقر شود، در نظر گرفته شده است».

خاطرنشان می‌شود که مصر ممکن است تنها مقصد نهایی برای پذیرش فلسطینی‌ها نباشد. ترکیه، قطر، عربستان سعودی و امارات می‌توانند از این طرح حمایت مالی کنند یا جمعیت غزه را ابتدا به عنوان پناهنده و در دراز مدت - به عنوان شهروندان کامل بپذیرند. اطلاعات اسرائیل همچنین به دلیل سیاست مهاجرتی نرم خود، قصد دارد پناهجویان را به کانادا بفرستد. همه این اقدامات، به گفته اطلاعات اسرائیل، برای تضمین امنیت اسرائیل لازم است.

به گزارش روزنامه اسرائیلی هاآرتص، دفتر نتانیاوو خاطرنشان کرد که این طرح تنها بیانگر «فکر اولیه» در مورد سرنوشت جمعیت نوار غزه است.

در واقعیت امر، آمریکا و اسرائیل اقدامات خود را هماهنگ می‌کنند و عملاً به پاک‌سازی قومی در خاورمیانه مشغول هستند.

منتشره در: [وبسایت بنیاد فرهنگ راهبردی](#)

۱۳ آبان-عقرب ۱۴۰۲